

غزل سرد و گرم  
سیر اجمالی غزل در ادبیات فارسی (از رودکی تا حافظ)  
ابراهیم الطافی\*

چکیده

در بیان غزل باید گفت: که عشق بازی باشد با زنان و حدیث کردن با ایشان یکی از قدیمی ترین قالب های شعر فارسی که شاید اگر در جهان دنبالش بگردیم شکل هایی نزدیک به همین قالب که در زبان فارسی وجود دارد، بتوانیم بیابیم. انواعی دارد که جانی تازه به شعر فارسی بخشیده است. در بررسی غزلها از رودکی تا حافظ به بیان این پرداخته ام که بعضی از این غزلها، آرام و بی طراوت هستند و بعضی با شادابی و شور و هیجان سروده شده اند.

**کلیدواژه:** غزل، انواع غزل، تاریخچه غزل، غزل از رودکی تا حافظ

مقدمه

آنچه در این جستار پیش روی شماست، بررسی اجمالی سیر غزل در ادبیات ایران از رودکی تا حافظ است. عنوان این پژوهش قسمت اول «غزل سرد» عنوانی از دکتر حسین خسروی است، واژه گرم را بنده حقیر به خاطر شور و هیجان غزل های قرن هفتم و هشتم از جمله، مولوی، سعدی و حافظ به آن افزوده ام و عنوان «غزل سرد و گرم» نام نهاده ام. بخشی، معنی غزل، تاریخچه غزل در ایران، و بخشی دیگر ویژگی ها و خصوصیات غزل شاعران از رودکی تا حافظ ذکر نموده ام.

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ebrahim\_altafi2018@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۱



لازم به یادآوری است که چون در ادبیات فارسی از بعضی شاعران آن چنان غزلی به جا نمانده که بتوان شرحی یا مقایسه‌های انجام گیرد لذا به ذکر این غزل سرایان اکتفا کرده‌ام.

### معنی غزل

غزل مشتق از مغازلت است و مغازلت عشق بازی باشد با زنان و حدیث کردن با ایشان و به زبان سخن شناسان غزل آن را گویند که مشتمل بر وصف شکل و شمایل محبوب و شرح نکایت و حکایت حال محب باشد و به نعمت جمال و وصف زلف و خال و بیان هجر و وصال آراسته بود. (بدایع الافکار، ص ۷۱) هر شعر که مقصور باشد برفنون عشقیات از وصف زلف و خال و حکایت وصل و هجر و تشوق به ذکر ریاحین و ازهار و ریاح و وصف دمن و اطلال باشد غزل خوانند. (المعجم، ص ۲۰۱)

### نمودار گرافیکی غزل

\* \_\_\_\_\_ \* \_\_\_\_\_  
 \* \_\_\_\_\_ \* \_\_\_\_\_  
 \* \_\_\_\_\_ \* \_\_\_\_\_  
 \* \_\_\_\_\_ \* \_\_\_\_\_

### تاریخچه غزل

غزل، یکی از قدیمی‌ترین قالب‌های شعر فارسی است که شاید اگر در ادبیات جهان دنبالش بگردیم شکل‌هایی نزدیک به همین قالبی که در زبان فارسی وجود دارد را بتوانیم بیابیم. وقتی انواع ادبی را تقسیم می‌کنند، یکی از گونه‌های ادبیات که نوع اصلی نیز محسوب می‌شود، تغزل است؛ که باید خود را در قالبی نشان داده، محملی برای آرایه خود داشته باشد که ادبیات فارسی این را به عهده شعر نهاده است. یعنی هنر کلامی که تعزل را حمل می‌کند، شعر است غزل



غزل سرد و گرم (سیر اجمالی غزل در ادبیات فارسی (از رودکی تا حافظ)) \* ابراهیم الطافی

چون توانسته است تغزل را با خود حمل کند، پیشینه‌ی بسیار دوری دارد؛ حتی در مراجعه به اوایل شکل‌گیری شعر فارسی نیز با غزل مواجه می‌شویم.

در واقع، بعد از سروده‌های شهید بلخی، شعر غزل وارد ادبیات ایران می‌شود. با تقسیم‌بندی‌های دوران شعر فارسی، دقیقاً همراه با شکل ویژه‌ای که حکومت بر رعایای خود داشت، غزل فارسی هم شیوه خاصی را برای خودش در نظر گرفته است، وقتی می‌شود راحت و بدون پرده پوشی صحبت کرد، می‌بینیم که غزل فارسی از عناصری استفاده می‌کند که عناصری با نظایر بیرونی هستند که این امر در اشعار شاعرانی مانند فرخی، انوری و... که متعلق به سبک خراسانی هستند، مشاهده می‌شود.

بعد از حمله مغول که نمی‌شد خیلی از حرف‌ها را بیان کرد، غزل فارسی این وظیفه شاعران را به عهده می‌گیرد و هنگام سخن گفتن از شاهد، می‌و سرو، جای یک کارا کتر ساده در شعر، سعی به تبدیل کردن نماد دارد که بتواند معانی مختلفی را با خود حمل کنند. این امر در سبک عراقی بیشتر دیده می‌شود.

نخستین غزل‌های فارسی (در قرن چهارم و پنجم هجری) در مجالس بزم و شادی، همراه با موسیقی خوانده می‌شده است. بعضی عقیده دارند که اصطلاح غزل و تغزل در دوران اوایل شعر فارسی تن‌ها به بیت‌های مقدمه قصیده‌ها اطلاق می‌شده است. در آثار باقی مانده از رودکی و شهید بلخی و دقیقی طوسی نمونه‌هایی از غزل کامل و مستقل یافت می‌شود. در اواخر قرن پنجم، غزل به تدریج جای بیشتری در دیوان شاعران به خود اختصاص داد، به طوری که حتی شاعران قصیده سرایی همچون خاقانی یا شاعران منظومه سرایی چون نظامی نیز به سرودن غزل دست زدند. اما با ظهور سنایی، که شاعری عارف بود، نوعی خاص از غزل به وجود آمد که به «غزل عارفانه» معروف شد. این نوع از غزل را عطار، مولوی و فخرالدین عراقی به کمال رساندند. بدین ترتیب دو شاخه جداگانه غزل عاشقانه و غزل عارفانه مشخص شد. بر اثر رواج اصطلاحات اهل تصوف در میان شاعران، غزل‌های بسیاری سروده شد که در آن‌ها رنگ هر دو نوع غزل را دید و در حقیقت تلفیقی از این دو نوع است. غزل‌های حافظ نمونه کامل غزل از این نوع است که در آن‌ها معانی و مضامین عاشقانه و عارفانه به هم آمیخته است. با آنکه غزل پیوسته رنگ عاشقانه یا عارفانه داشته



است، اما شاعرانی، از جمله سعدی و حافظ، گاه آن را برای مدح نیز به کار گرفته اند. در غزل‌های شاعران قرن چهارم تا ششم هجری، بیت‌های غزل از نظر مضمون به هم پیوسته و نزدیک هستند، اما به تدریج این خصوصیت از بین رفت و هر بیت حاوی مضمون مستقلی شد. غزل که با حافظ به نقطه اوج خود رسیده بود، بعد از او رو به انحطاط گذاشت. در شعر مشروطیت غزل همانند دیگر قالب‌های شعری به کار بیان افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی آمد. اما در دوران معاصر، غزل کم و بیش به معنی قدیمی خود که شعر عاشقانه باشد بازگشته است. به عنوان مثال، سیمین بهبهانی با به کار بردن وزن‌های غیر متداول، نوعی از غزل را که به «غزل نو» معروف شده رایج کرده است. البته غزل نو، به طور کلی عنوان سبکی در غزل است که از اوایل دهه چهل خورشیدی (۱۳۴۰ خورشیدی) به بعد در کار غزلسرایان پدید آمد و همان مرحله پس از سبک غزل نیوکلاسیک و طیف شهریار و دیگران است. از چهره‌های موفق غزل نو می‌توان به حسین منزوی، محمد علی بهمنی، قیصر امین پور، مریم جعفری آذرمانی و از دیگر غزل‌سرایان معاصر که در حفظ و گسترش این سبک از شعر کوشیده‌اند می‌توان به شفیع کدکنی، منصور اوجی، صدراذوالریاستین، غلامحسین اولاد، منصور پایمرد، شاپور پساوند، عزیز شبانی، پرویز خائفی، اسماعیل عسلی، فیض شریفی و... اشاره کرد.

در سال‌های اخیر (از اواسط دهه هفتاد) جریان غزل پست مدرن با پیوند زدن تکنیک‌ها و اندیشه شاعران سپید سرای پست مدرن و قالب غزل راه جدیدی را در غزل معاصر گشود. هر چند با مخالفت‌های جدی غزلسرایان کلاسیک روبرو شده است.

## انواع غزل

غزل عاشقانه: انوری این نوع را جانی تازه بخشید و سعدی آن را به کمال رساند.  
 غزل عارفانه: سنایی غزنوی غزل عارفانه را شکل داد. عطار نیشابوری، مولوی بلخی، فخرالدین عراقی غزل عرفانی را رشد و تکامل بخشیدند. اوج غزل عارفانه در کار مولوی است.



غزل تلفیقی: در سده هفت و هشت هجری جریانی پدیدار شد که معانی و مضامین عارفانه و عاشقانه را در هم آمیخت. غزل اوحدی مراغه ای، خواجهی کرمانی، عماد فقیه کرمانی، سلمان ساوجی و کامل ترین نوع غزل در شعر حافظ است.

غزل قلندری: در این نوع غزل شاعر به وصف رندی، تظاهر به باده پرستی، لابلالی گری، طعن و کنایه به صوفیان و زاهدان ظاهر پرست می پردازد. نمونه این شعر در آثار سنایی غزنوی، خاقانی، عطار نیشابوری، عراقی، سعدی، حافظ یافت می شود.

غزل مضمون: این نوع به غزل سبک هندی مشهور است. در این نوع تمام همت شاعر، صرف یافتن مضمون های تازه و نازک می شود. صائب تبریزی، طلب آملی، کلیم کاشانی از مشاهیر این شیوه اند. برخی شاعران ایرانی و هندی این نوع غزل را، به سبب افراط در نازک خیالی و تخیلات عجیب به سوی بی معنایی و ذهنیت های غیرقابل فهم سوق دادند مانند: جلال اصفهانی و بیدل دهلوی.

غزل سیاسی - وطنی: محتوا مسائل حاد اجتماعی است. از جمله برخی آثار عارف قزوینی، فرخی یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، هوشنگ ابتهاج.

غزل نو: برخی این نوع غزل را غزل تصویری نامیده اند. این نوع غزل تحت تاثیر شعر نو پدید آمد. مشخصه های این نوع غزل زبان تازه و امروزی، غلبه تصاویر جدید و نو، وزن های عروضی تازه و وحدت محتوا است.

نمونه برجسته این نوع غزل در آثار هوشنگ ابتهاج، منوچهر نیستانی، سیمین بهبانی، حسین منزوی، محمد علی بهمنی، بهمن صالحی می توان یافت.

## غزل رودکی

نخستین غزل های دل انگیز و آبدار پارسی را رودکی سرود. قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری به وجود شاعران بزرگ و رواج اشعار گوناگون آراسته است شاعران این عهد در انواع مختلف شعر از جمله غزل طبع آزمایی کرده اند غزل و اشعار غنایی این عهد دنبال های است از آنچه در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم می بینیم در آغاز این قرن دو غزل سرای مشهور بودند



که شاعران بعد آنان را به استادی و مهارت در این نوع شعر ستوده‌اند و از آن دو یکی رودکی سمرقندی و دیگری شهید بلخی است. قدرت رودکی در غزل به اندازه‌های بود که عنصری با همه دقت خیال، غزل‌های او را ستایش کرده و خود را از آوردن مضامین دقیقی همانند مضمون‌های رودکی، عاجز دانسته است که می‌گوید:

«غزل رودکی وار نیکو بود      غزل‌های من رودکی وار نیست  
اگر چه بکوشم به باریک و وهم      بدین پرده اندمرا بار نیست»

### غزل شهید بلخی

شاعر معاصر رودکی شهید بلخی دارای غزل‌های لطیف است. غزل‌های قرن چهارم و آغاز قرن پنجم اگرچه حاوی معانی ساده و زیبایی عاشقانه اند. اما از کلمات خشن و پاراهای ترکیبات مطمئن که بیشتر شایسته قصاید است، خالی نیستند.

و ذکر نام شاعر در پایان غزل‌ها، کمتر معمول است و غزل‌ها غالباً کوتاه‌اند، لطف سخن شهید بلخی و دقت احساسات او نیز به حدی بود که فرخی با همه شیرین بیانی درباره زیبایی غزل‌های او گفته است:

«از دلادامی و نغزی چون غزل‌های شهید      و زدلاویزی و خوبی چون ترانه بوطلب»

### غزل دقیقی

چند غزل از او به دست آمده، دارای لطف خاصی است.

### غزل مسعود بن سعد سلمان

در حدود شانزده هزار بیت شعر از قصیده و مثنوی و مقطعات و ترجیعات و مسمط و غزل و رباعی دارد.



### غزل معزّی نیشابوری

او کوششی در سرودن غزل‌های نغز به کار برده، و مسلماً وسیله موثری در پیشرفت فن غزل سرایی شده است.

### غزل سنایی غزنوی

سنایی در پرداختن به غزل‌های عرفانی بسیار بسیار فعال بود. شعر او در نیایش است و توحید، امّا نیایشی است سرشار از شور و هیجان و عشق از این لحاظ یادآور برخی غزلیات مولوی است و روحی شاد که در آن‌ها موج می‌زند، و نیز بعضی تکرارها در بیت‌ها به بسیاری از غزل‌های مولوی می‌ماند که این حالت در آن‌ها بارزتر و فراوان تر است.

### غزل انوری ابیوردی

غزل‌های شیوا و زیبایی از خود پدید آورده و به راستی باید او را در غزل در شمار شاعرانی همچون ظهیر فاریابی آورد. آمیزش آن با واژه‌های تازه فراوان تخیلات، تشبیهات و استعارات زیاد همراه است.

### غزل خاقانی

علاوه بر دیوان که شامل قصاید و مقطعات و ترجیحات و رباعیات است، غزل هم دارد.

### غزل ظهیرالدین فاریابی

از غزل گویان است سخنش روان و پر از معانی دقیق و در عین حال استوار و برگزیده، فصیح و دارای معانی و الفاظ صریح می‌باشد. غزل‌های ظهیر کمال قدرت او را در شعر آشکارا می‌بینیم. باید یادآور شد که وی واسطه میان انوری و سعدی در تکامل غزل شمرده می‌شد.



### غزل نظامی

نظامی علاوه بر منظومه‌های پنج گنج سروده‌های دیگری از قصیده و قطعه و از جمله غزل دارد.

مطلع یک غزل:

«مرا پرسى که چونی؟ چونم‌ای دوست جگر پردرد و دل پر خونم، ای دوست»

### غزل عطار

کسی که در اوایل قرن هفتم، غزل‌های عرفانی را به حد کمال رسانید و با نهایت زیبایی و شیوایی مقرون کرد، عطار نیشابوری است. غزلیات عطار با همه سادگی ظاهری، به واسطه بکارگیری اصطلاحات عرفانی و گاه تشبیهات نو و بدیع و استفاده از ابهام و بعضی از صنایع شعری و چند بعدی بودن برخی از مفاهیم و عبارات به سادگی قابل درک نیست و فهم دقیق آن‌ها اطلاعات و معلومات بسیاری را چه از لحاظ ادبی و چه از جهت آشنایی با مصطلحات صوفیانه و قرآن و حدیث می‌طلبد، غزلیات شیخ اغلب آراسته به ردیف است و این به غنای موسیقی کلام که از لحاظ تهیج احساسات و عواطف از نظر صوفیان اهمیت بسیاری دارد.

محتوای غزلیات غالباً و بطور ضمنی پندآموز و تعلیمی است، با اینکه از بعضی واژه‌ها مثل: زلف، روی، سرزلف، خط، لعل، دل، جان، زنار، خرابات، مست، میکده، میخانه، دریا و خمّار بسیار استفاده می‌کند تنوع اوزان و هیجان حاکم بر مجموعه غزل و صداقتی که در عبارات به چشم می‌خورد، مانع از کسالت بار شدن اشعار متوالی با واژه‌های تکراری و قافیه و ردیف واحد است.

حاصل اینکه عطار بعد از سنایی - از نظر زمان - در گسترش شعر عرفانی با استفاده از اصطلاحات خاص عرفا، بخصوص در توسعه غزل عرفانی نقش بسیار مهمی دارد. و درون مایه افکارش روی سایر قالب‌های رایج شعر فارسی اثری عمیق گذاشته اند.

«زان راز که سرجان عطار است گفتن سخنی نمی‌توانم من»





### غزل مولانا

در غزل مولانا نوای خاصی هست خوب پیدا است که گوینده قصد شاعری ندارد حالی که هم خود را فراموش می کند و هم شعر خود را بدون آنکه بخواهد، اندیشه اش از پرده خیال بیرون می تراود و رنگ شعر و غزل می گیرد. غزل او چیزی است بی مثل و بی نام، ژرف و گیرا، گرم و آکنده از جوش و تپش. در آن ها تن ها عشق - عشق جسمانی یا روحانی - نیست همه چیز هست. غزل های او با وجود شور و جذبه بی خودانه، موج وارفت های نیز از حکمت و معرفت جلوه می کند و رنگ خاصی به شعر او می دهد که در سخن غزل سرایان نیست.

مولوی در خور همه ستایش هاست و متفکر و شاعری به تمام معناست اگر یکی از شرایط شعر ناب اصالت مضمون و محتوی و ابداع و ابتکار باشد این خصیصه در غزل های مولوی به کمال است. در دیوان مولوی غزل های بدیع و تازه و شورانگیز فراوان است شعر او از هر حیث با سروده همه شاعران زبان فارسی متفاوت است زبان و طرز تعبیر مولوی در غزلیات و موسیقی سحر آسای شعرش چندان ویژه و منفرد است که به شعر هیچ شاعری نمی ماند.

«مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم      دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

### غزل سعدی

غزل های سعدی در زبان فارسی بی نظیر است و چون منت های سادگی و روانی را در ساده ترین احساسات طبیعی به کار برده به هر زبانی که ترجمه شود از زیبایی آن کاسته نمی گردد و به همین سبب در تمام عالم معروف شده و در سلک بزرگان فرزندان آدمی در آمده است.

غزل های او پر از درد، پر از شور، پر از نیاز، و پر از تسلیم است و اگر از گناه نیز در آن سخن می رود صراحت لهجه و صدق بیان او چندان است که گناه او را نیز رنگ اخلاق می بخشد. عشق که مایه غزل های اوست البته به جمال انسانی محدود نیست از جوش و التهاب غزل های قدیم تا گرمی و شیرینی طیبات و بدایع همه جا عشق سعدی در تجلی است به هر حال طنین صدای عشق هیچ جا در غزل او محو و خاموش نمی شود. غزل سعدی یعنی عشق، و عشق با همه فراز و نشیب هایش.



غزل سعدی در بردارنده کیفیت‌های هنری اصیل و زنده‌های است که مسیر غزل در تاریخ دوپست و اندی سال بدان دست یافته بود، این غزل حاصل ترکیب سادگی، روانی، یکدستی با پختگی و غنای اندیشه است. از سعدی نزدیک به ششصد و پنجاه غزل در دست است.

### خواجه هماد الدین تبریزی

از غزل سرایان قرن هفتم ایران بود دیوان غزلیات او که اشعار بسیار روان دل انگیز در میان آن هست شامل نزدیک به دو هزار بیت است.

### اوحدی مراغه‌ای

دیوان قصاید و ترجیعات و غزلیات و رباعیات دارد. دارای تازگی‌های بسیار در ذکر تمثیلات کوتاه و ایراد غزل‌های شیرین و لطیف و مقرون به سادگی و رسایی کلام است. غزل‌های او در مرتب‌های بلند از فصاحت و حسن تاثیر کلام و گرمی و گیرندگی است.

### حسن دهلوی

از شاعران پارسی گوی هندوستان در قرن هفتم و هشتم هجری است. مجموع اشعار دیوان حسن دهلوی متجاوز از نه هزار بیت که غزلیات هم در آن وجود دارد وی اهمیت و شهرتش در غزل سرایی است غزل‌های او حاوی مضمون‌های باریک بسیاری است در الفاظ، ساده روان و او در این شیوه پیرو سعدی است او را «سعدی هندوستان» لقب داده‌اند.

جامی در بهارستان گفته است:

«خواجه حسن را در غزل، طرز خاص است، اکثر قافیه‌های تنگ و ردیف‌های غریب اختیار نموده است.

### ابن یمین

اقسام شعر از جمله غزل دارد.



## غزل شاه نعمت الله ولی

دیوان اشعار او غزلیات هم دارد که اکثر شعرش به مذاق اهل تصوف است.

## غزل خواجوی کرمانی

خواجو به سال و تجربه شاعری، بر حافظ تقدم داشت - در مدتی که مقیم شیراز بود - چون دوستی که سمت رهبری داشته باشد، بر اندیشه حافظ، پرتو تعلیم افکنده بود. به همین سبب است که در دیوان خواجه شیراز بسیار ابیات می بینیم که به تقلید، یا به استقبال از غزل‌های خواجو، ساخته و یا گاه معنی و لفظ از وی اقتباس کرده است. تا به جایی که یکی از شاعران نزدیک به زمان حافظ گفته است:

«استاد غزل سعدی است نزد همه کس، اما دارد سخن حافظ، طرز غزل خواجو»  
در غزل همه پژوهندگان، از دیرباز، خواجو را مقلد سعدی و حتی «دزد دیوان سعدی» دانسته اند. ولی حقیقت آن است که جزو دست‌های از شاعرانی است که غزل‌های آنان در سلسله تحول غزل، میان سعدی و حافظ قرار داشته است.

## عبید زاکانی قزوینی

عبید هم غزلیاتی دارد. غزل‌های او فصیح و در غایت لطافت و غالباً استقبال از سعدی یا متأثر از شیوه گفتار آن استاد بزرگ است.

## سلمان ساوجی

سلمان در غزل، از جمله شاعران موفق است. فصاحت گفتار و مضمون یابی‌های او و آمیختن افکار عاشقانه و عارفانه در غزل باعث شده است که وی در ردیف بهترین غزل سرایان قرن هشتم در آید تا بدان جا که التباس بعضی از غزل‌های او با غزل‌های هم عصر بزرگوارش - حافظ - امکان پذیرد زیرا گهگاه این دو شاعر در غزل مضامین پرمعنایی شبیه به یکدیگر دارند، و در حقیقت هر دو گاه گاه و نه همیشه به یک میزان، میراث خوار، تحول ژرفی شده اند که در غزل‌سرایی فارسی از اوایل



قرن هفتم تا دیرگاهی از قرن هفتم حاصل شده و به سخن استادانه شاعرانی همچون خواجه و سلمان و حافظ ختم گردیده بود.

### جهان خاتون

از شاعران نیمه دوم قرن هشتم هجری در شیراز است. بیشتر غزل‌های جهان در ذکر احساسات عاشقانه زنانه اوست. و حتی در چند غزل، شاعر از مردی بی وفا گله کرده است. در پارهای از غزل‌های جهان از «سلطان بخت» نامی یاد می‌شود و در بادی امر به نظر می‌رسد که او معشوق جهان خاتون است یعنی لحن غزل چنان است که خواننده را به چنین تصویری بر می‌انگیزاند.

### غزل حافظ

حافظ مردی بود، ادیب، عالم به علوم ادبی و شرعی و مطلع از دقائق حکمت و حقایق عرفان، و بالاتر از همه این‌ها، استعداد خارق العاده فطری او به وی مجال تفکرات طولانی همراه با تخیلات بسیار باریک شاعرانه می‌داد، و او جمیع این عطایای ربانی را با ذوق لطیف و کلام دلپذیر استادانه خود در می‌آمیخت و از آن میان، شاهکارهای بی بدیل خود را به صورت غزل‌های عالی بوجود می‌آورد.

غزل حافظ از جانبی متضمن افکار عمیق حکمی و عرفانی و از جانبی دیگر همراه با مضامین زیبا و باریک شاعرانه و عواطفی است که گاه حدت بسیار دارد، اما کلام و در همه موارد، منتخب و مزین به انواع تزیینات مطبوع و شامل کلماتی است هر یک به حساب دقیق انتخاب و به جای خود گذارده شده است و پیش و پس کردن آن‌ها مایه تباهی کلام خواهد شد.

حُسن استفاده حافظ از تناسب‌های لفظی و معنوی و بهم پیوستگی تصویرها و وحدتی که در اجراء شعر خویش آفریده چنان است که اگر کسی با پرواز تخیل و مسیر تداعی معانی در ذهن او آشنا و همگام شود در می‌یابد که چگونه شعر در خط افقی هر بیت و خط عمومی غزل هم آهنگ و در هم بافته و به منزله یک سمفونی است یا امواجی انگیخته از هم و لغزنده در آغوش یکدیگر. به همین سبب باید به آن به صورت یک کُل، یک واحد نگریست نه یک تک تک اجزاء.



### منابع و مآخذ

- انوری، حسن، (۱۳۷۰)، گزیده غزلیات سعدی، چ ۳، تهران، انتشارات علمی.
- پیمان، محمد، (۱۳۷۳)، و پانصد غزل فریدالدین محمد عطار نیشابوری، چ ۱، تهران، کیهانک.
- خسروی، حسین، (۱۳۹۱)، غزل سرد، چ ۱، شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، دکتر سید جعفر شهیدی.
- شکیبیا، پروین، (۱۳۷۰)، شعر فارسی از آغاز تا امروز، چ ۱، تهران، انتشارات هیرمند.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۶۹)، گزیده غزلیات مولوی، چ ۲، تهران، چاپ و نشر بنیاد.
- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۱)، چشمه روشن، چ ۴، تهران، انتشارات علمی.